



Fears of Responsibility in Childbearing and Reinterpretation of the Meaning of a Child A Study in Isfahan

Ali Ruhani¹ | Sahar Rezaei² | Abbas Askari-Nodoushan³ | Maliheh Alimondegari⁴

1. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran.

E-mail: aliruhani@yazd.ac.ir

2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran. E-mail: saharrezaei615@gmail.com

3. Department of Anthropology and Demography, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran.

E-mail: aaskarin@yazd.ac.ir

4. Department of Anthropology and Demography, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran.

E-mail: m.alimondegari@yazd.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Based on changes in the family and its values in metropolitan cities in recent years, we have witnessed many transitions in fertility that have occurred in the concept of family. Reproductive behaviors indicate that deep and ontological alterations have occurred in the minds, that is, the context of meaning formation, the practical result of which is childless and single-child couples in today societies. The present study aimed to understand the introspection of childless and single-child couples living in Isfahan about their worries in facing responsibility of being parent.
Article history: Received: 04 November 2024 Received in revised form: 18 March 2025 Accepted: 07 May 2025 Published online: 20 June 2025	Using a qualitative method and an interpretive approach and theoretical sampling, 30 in-depth interviews were conducted, including 15 interviews with childless couples who had been married for at least 3 years and 15 interviews with single-child couples who had decided to have only one child.
Keywords: Childbearing, Childless Couples, Isfahan, Responsibility, Single-Child Couples.	The core category of the research was titled “de-childing responsibility” and its central phenomenon was titled “reinterpretation of the meaning of child.” The feeling of responsibility toward children is one of the important concerns that can affect couples’ decisions to have children, and evidence suggests that at least one of the reasons for the intention to be childless or have few children for a group of parents was considerations related to the responsibilities of parenting. This process has reinterpreted their perception of being a parent and has questioned the retrospective meaning of a child that was associated with duty and forced choices.

Cite this article: Ruhani, A.; Rezaei, S.; Askari-Nodoushan, A. & Alimondegari, M. (2025). Fears of Responsibility in Childbearing and Reinterpretation of the Meaning of a Child; A Study in Isfahan. *Social Studies and Research in Iran*, 14(2):305-325. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.389832.1583>



Authors retain the copyright and full publishing rights

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.389832.1583>



دلهره‌های مسئولیت‌پذیری در فرزندآوری و بازتفسیر معنای فرزند

مطالعه‌ای در شهر اصفهان

علی روحانی^۱ | سحر رضائی^۲ | عباس عسکری ندوشن^۳ | ملیحه علی‌مندگاری^۴۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. aliruhani@yazd.ac.ir۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. saharrezaei615@gmail.com۳. گروه مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. aaskarin@yazd.ac.ir۴. گروه مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. m.alimondegari@yazd.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
در سال‌های اخیر، با توجه به تغییرات خانواده و ارزش‌ها و عناصر آن در کلان‌شهرها شاهد تحولات زیادی در امر باروری هستیم. تحولات در حوزه خانواده و رفتار باروری حاکی از آن است که تغییرات عمیق و هستی‌شناختی در ذهن، یعنی بستر شکل‌گیری معنا رخ داده که نتیجه عملی آن، یعنی زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند در جامعه امروزی نمایان است. پژوهش حاضر، با هدف فهم درون‌ذهنیت زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند ساکن شهر اصفهان از ترس در مواجهه با مسئولیت‌پذیری در رابطه با فرزند انجام شده است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی
با استفاده از روش کیفی و رویکرد تفسیری و نمونه‌گیری نظری، ۳۰ مصاحبه عمیق شامل ۱۵ مصاحبه با زوجین بی‌فرزند که حداقل سه سال از ازدواجشان می‌گذرد، انجام شد و ۱۵ مصاحبه نیز با زوجین تک‌فرزند که به‌طور ارادی تصمیم به بی‌فرزندی و تک‌فرزندی گرفته‌اند، صورت گرفت.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۴
مقوله هسته پژوهش با عنوان «مسئولیت‌پذیری فرزندزدا» و پدیده مرکزی آن تحت عنوان «بازتفسیر معنای فرزند» بر ساخت شد.	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸
احساس مسئولیت‌پذیری در قبال فرزندان، یکی از دغدغه‌های مهمی است که می‌تواند تصمیم زوجین به فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد و قرائن گویای آن است که دست‌کم یکی از دلایل قصد بی‌فرزندی یا کم‌فرزندی برای گروهی از والدین، ملاحظات فرزندپروری و چگونگی ایفای نقش والد است. این فرایند در آن‌ها معنای فرزند را بازتفسیر کرده و معنای گذشته‌نگر از فرزند را که همراه با تکلیف و مبتنی بر انتخاب اجباری بوده زیر سؤال برده است.	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱۷
	تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۳۰
	کلیدواژه‌ها: زوجین بی‌فرزند، زوجین تک‌فرزند، شهر اصفهان، فرزندآوری، مسئولیت‌پذیری.

استناد: روحانی، علی؛ رضائی، سحر؛ عسکری ندوشن، عباس و علی‌مندگاری، ملیحه (۱۴۰۴). دلهره‌های مسئولیت‌پذیری در فرزندآوری و بازتفسیر معنای فرزند؛ مطالعه‌ای در شهر اصفهان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۴(۲): ۳۰۵-۳۲۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.389832.1583>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.389832.1583>

۱. مقدمه و بیان مسئله

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تغییرات جمعیت و از موضوعاتی است که توجه زیادی را به خود مشغول داشته است. در نیمه دوم قرن بیستم، جهان شاهد تغییرات جمعیتی در مقیاس چشمگیری بود. باروری از پنج فرزند برای هر زن در جهان به ۲/۷ فرزند رسید (ویلسون^۱، ۲۰۰۱: ۱۵۵). بخشی از اتفاق‌های جمعیتی در جهان تحت تأثیر جهانی‌شدن نگرش و رفتار باروری است (کالدول^۲، ۲۰۰۶: ۲۶۱؛ مرادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۸). ایران از کشورهایی است که فرایند و مراحل گذار باروری را طی مدت کوتاهی تجربه کرده است. بر پایه برآوردها، در دهه ۱۳۸۰ میزان باروری کل در ایران در حوالی رقم ۱/۸ فرزند به ازای هر زن، روند نسبتاً ثابتی را طی کرد. سپس در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ اندک افزایشی دارد و تا سال ۱۳۹۵ به نزدیکی سطح جانشینی بازمی‌گردد، ولی با کاهش مجدد به ۱/۷ فرزند به ازای هر زن، این دهه به پایان می‌رسد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱؛ عباسی شوازی، رازقی نصرآباد و حسینی چاوشی، ۱۳۹۹: ۲۱۴). از آن زمان تاکنون، یعنی از حدود دو دهه قبل به این سو، رقم باروری کل در ایران کمتر از دو فرزند -موسوم به باروری پایین‌تر از سطح جانشینی- بوده است (علمیرادیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۵).

کاهش باروری به زیر سطح جانشینی و تداوم آن در دهه‌های اخیر، نگرانی‌هایی را در رابطه با بازتولید جمعیت ایران و پیامدهای آن در حوزه عمومی و نیز در سطح سیاست‌گذاری برانگیخته است. قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نمادی از اراده سیاست‌گذاری در جهت تشویق و تغییر روند رشد جمعیت و ترمیم ساختار سنی جمعیت است. تصویب این قانون براساس اصل ۸۵ قانون اساسی با هدف حمایت از نهاد خانواده، فرزندآوری و ازدیاد جمعیت جوان کشور در آبان ۱۴۰۰ انجام شده است. با وجود تصویب و اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری، به استناد نتایج پژوهش‌ها سیر نزولی باروری همچنان استمرار یافته و تلاش‌ها برای متوقف و معکوس کردن مسیر کاهش آن، با موفقیت چندان توأم نبوده است. ارزش فرزند از جنبه‌های گوناگونی در فرهنگ جامعه ایرانی برجسته شده است. از آموزه‌های دینی تا فرهنگ تاریخی و سنتی، اهمیت اقتصادی و همچنین هژمونی خانواده‌های عرفی، همگی فرزند را در فرهنگ ایرانی به امری مهم و تا حدی حیاتی بدل کرده، اما در سال‌های اخیر، این امر فرهنگی تغییر کرده است و حتی شاهد ظهور سبک زندگی بی‌فرزندی هستیم (افشانی، ابویی و روحانی، ۱۴۰۱: ۶). براساس آخرین آمارها، نرخ باروری کل به زیر سطح جانشینی کاهش یافته و حتی در برخی از استان‌های کشور به باروری خیلی اندک (در حوالی رقمی کمی بیشتر از یک فرزند) افت کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). در نتیجه این تحولات، نگرش و گرایش به فرزندآوری نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی دچار تحول شده است (کاوه‌فیروز، زارع و جهانبخش گنجه، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

تحقیقات متعددی نشان می‌دهد در شرایط کنونی جامعه ایران، تعداد فرزندان کاهش یافته است. ارزش‌ها و باورهای ایرانیان در زمینه فرزندآوری به سمت کم‌فرزندی سوق پیدا کرده و معنا و کارکرد فرزند نزد آنان تغییر یافته است (شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۰؛ عسکری ندوشن و رازقی نصرآباد، ۱۴۰۲: ۱۰۱). در گذشته، زنان برای اثبات باروری بچه‌دار می‌شدند. از طرفی فرزند بخشی از سرمایه و قدرت خانواده بود، اما زوجین در جامعه امروزی فهم متفاوتی از فرزند دارند. آن‌ها اغلب عنوان می‌کنند که تحمل سختی‌های فرزندآوری را ندارند و با توجه به شرایط بی‌ثبات پایدار در کشور و همین‌طور دغدغه‌های تربیتی فراوان در جامعه، داشتن فرزند یا تعداد زیاد فرزندان را عقلانی نمی‌دانند. این تغییرات خانواده در کلان‌شهرها از جمله شهر اصفهان، اشکال جدیدی از خانواده را به‌وجود آورده و مشروع ساخته است (مثل خانواده‌های بی‌فرزند).

بنابراین، به نظر می‌رسد به‌منظور دستیابی به اهداف سیاست‌های جمعیتی، از جمله باروری بالاتر از سطح جانشینی، بازشناسی دقیق‌تری از عوامل اصلی مؤثر بر باروری و نیز شناسایی نگرش‌ها، ترجیحات و تصمیمات باروری زوجین ضرورت دارد. درواقع، تصمیم زوجین در این باره را که آیا به خواسته خود برای داشتن فرزند جامه عمل بپوشند یا از آن صرف‌نظر کنند، می‌توان موقعیتی تصور کرد که در کشاکش تمایلات قلبی به فرزندآوری از یک سو و مواجهه با دغدغه‌های ذهنی درباره مشکلات و چالش‌های آن از دیگر سو قرار گرفته است. با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی (ایمان و روحانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸؛ حسینی فتح‌آبادی، ۱۴۰۱: ۳۱۲؛ سجادی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۸۳)، طی دهه‌های اخیر، به نظر می‌رسد معنایی که افراد به فرزند منتسب می‌کردند و همچنین کارکردهایی که فرزند برای زندگی‌شان دارد، دستخوش تغییراتی شده است که زمینه‌ساز تغییر رفتار باروری آن‌ها شده است؛ بنابراین، این مطالعه به دنبال شناسایی یکی از بسترهای نوظهور و روبه‌گسترشی است که منعکس‌کننده دغدغه‌های والدگری یا ترس آن‌ها از مسئولیت فرزند است و امروزه انتخاب‌های زوجین را به‌سوی کم‌فرزندآوری جهت می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، پژوهش حاضر به واکاوی دلهره‌ها و نگرانی‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری فرزند از نگاه زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند در شهر اصفهان می‌پردازد تا ارتباط معنا و کارکردهای فرزند را در رفتار کم‌فرزندی شناسایی و بررسی کند. محیط پژوهش شهر اصفهان انتخاب شده است؛ زیرا اصفهان در زمره استان‌هایی است که باروری کمتری از میانگین کشوری دارد و براساس آخرین برآورد مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) میزان باروری کل در آن به ازای هر زن کمتر از ۱/۵ فرزند است. پیش‌بینی می‌شود سطح باروری در شهر اصفهان به‌عنوان مرکز این استان، حتی کمتر از برآورد مذکور باشد (شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹).

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه تجربی، مطالعات کمی و کیفی در زمینه کم‌فرزندی و عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری انجام شده است. به دو مورد از مطالعات کمی در این زمینه اشاره می‌شود.

علیمرادیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی کمی درباره تأخیر در تولد فرزند دوم در شهر خرم‌آباد، به این نتیجه رسیدند که زنان با تحصیلات دانشگاهی، دارای نگرش جنسیتی مدرن، همچنین زنان دارای شبکه اجتماعی محدود و با احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی، دیرتر از سایر زنان به فرزند دوم می‌رسند؛ بنابراین احتمال بیشتری برای بقای تک‌فرزندی دارند. درمجموع، با توجه به ارتباط زیاد بین تأخیر در فرزندآوری با باروری پایین، تأخیر در تولد فرزند دوم از مسائل مهم جمعیتی کشور است و زمان‌بندی موالید در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیازمند توجه اساسی است. به این ترتیب همسو با سیاست‌های افزایش جمعیت، ضرورت دارد برای تسهیل فرزندآوری و حمایت از افرادی که تمایل به فرزندآوری دارند، اما به دلیل محدودیت‌های اقتصادی اجتماعی ممکن است مدت طولانی تک‌فرزند باقی بمانند برنامه‌هایی اجرا شود.

در مطالعه طاووسی و همکاران (۱۳۹۶) درباره تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن، درمجموع ۲۰،۹۳۵ نفر (شامل زنان متأهل در سنین باروری ۱۵-۴۹ و مردان متأهل با همسرانی در سنین باروری) از ۳۲ استان در سراسر ایران در این مطالعه شرکت کردند. آنان به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عامل بی‌تمایلی به فرزندآوری نگرانی درباره تأمین آینده فرزند و نگرانی از افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند دیگر و مهم‌ترین دلیل تمایل به فرزندآوری نیز علاقه فطری به فرزندآوری، کسب جایگاه و نقش والدی است.

برخی مطالعات کیفی نیز با هدف کشف عدم تمایل به فرزندآوری، زمینه‌های کم‌فرزندی و الگوی تصمیم‌گیری فرزند در بین زنان و مردان شهرهای مختلف انجام شده است.

شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۲) به چهار الگوی ذهنی رایج در جامعه دست یافتند که شامل «الگوی ذهنی فرزندآوری معطوف به اقتصاد»، «الگوی ذهنی فرزندآوری رفاه‌طلبان»، «الگوی ذهنی موافق فرزندآوری» و «الگوی ذهنی مخالف فرزندآوری» بود. شناسایی الگوهای ذهنی این فرصت را در اختیار متولیان سیاست‌گذاری جمعیت قرار می‌دهد که درمورد سیاست‌های مشوق فرزندآوری، تصمیمات مؤثرتری بگیرند و از سوی دیگر این سیاست‌ها از سوی مردم که مخاطبان سیاست‌ها هستند، قابل‌پذیرش باشد.

شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) دریافتند بیم و هراس‌های اقتصادی، آینده‌هراسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته تصمیم به فرزندآوری را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانی‌بودن ابزاری می‌کند. چنین محاسباتی نه‌تنها انواع راهبردها را در خانواده‌ها فعال می‌کند، آن‌ها را دچار نوعی دگردیسی و گذار ارزشی نیز می‌سازد. همچنین برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی جمعیت، زمانی موفق است که با درک واقع‌بینانه از چالش‌های فرزندآوری زوجین، برای رفع آن‌ها تلاش کنند.

جعفری‌سیریزی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه دغدغه‌های اجتماعی مادران در زمینه فرزندپروری در شهرستان زرند کرمان به این نتیجه رسیدند که رنج‌ها و مشقات مادر و دغدغه‌ها و مشغله‌های طاق‌ت‌فرسای او در قبال تربیت و پرورش فرزند، با توجه به تغییر و دگرگونی ساخت خانواده و جامعه در دوران مدرن، چند برابر شده است. از این‌رو، افزایش حمایت‌های اجتماعی از زنان در امر فرزندآوری، لحاظ‌کردن تسهیلات فراغتی و تأمین رفاه برای مادران و زنان و گذاشتن جلسات آموزشی در امر فرزندآوری و فرزندپروری از طریق نهادهای مربوطه، از موارد قابل‌توجه در این مطالعه هستند.

خلج‌آبادی فراهانی و کیانی علی‌آبادی (۱۳۹۷) پژوهشی کیفی با هدف واکاوی معنای فرزند از دیدگاه زنان بی‌فرزند شهر تهران انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم ارزش ذاتی فرزند، به‌علت رشد عقلانیت، زنان به‌دنبال شرایطی هستند که تصمیم فرزندآوری را با کنترل شرایط اتخاذ کنند، قبل از فرزندآوری از کیفیت رابطه زناشویی اطمینان حاصل کنند و با داشتن سالمندی فعال و سالم، به‌دنبال تعدیل انتظارات خود از فرزند در سالمندی باشند. این معانی برای فرزند و کارکردهای آن در زندگی در تفسیر تغییرات رفتار فرزندآوری نسل‌های حاضر کاربرد خواهد داشت.

خلج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۵) در پژوهشی کیفی با هدف کشف زمینه‌های تک‌فرزندی به‌عنوان نشانه‌هایی از باروری پایین در سطح کلان نشان دادند رفتار تک‌فرزندی نوعی راهکار برای ایجاد تعادل بین شرایط فردی، زناشویی، خانوادگی و محیطی است. آقایاری‌هیر و همکاران (۱۳۹۵) برای کشف عوامل زمینه‌ای کاهش باروری در ایران با مطالعه کیفی پدیده کم‌فرزندی در میان زنان شهر تبریز نشان دادند برساخت رسانه‌ای کم‌فرزندی در جهت جانداختن سیاست‌های کنترلی جمعیت نقش اساسی داشته است. در عمل رسانه‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم با جانداختن الگوی خانواده هسته‌ای و کم‌فرزند غربی از طریق برنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز در پذیرش الگوی کم‌فرزندی بوده‌اند.

ایموت، مایر و پیچ^۱ (۲۰۲۱) در مقاله «چه کسانی از زنان دارای فرزند مراقبت می‌کند؟ گذر از پل میان رشته‌ها» از ضرورت توسعه رویکردهای چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای سخن گفتند که برای درک نیاز به حمایت اجتماعی برای ارتقای سلامت و رفاه مادران و فرزندان ضروری است.

سوبوتکا^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه «رکود اقتصادی و باروری در دنیای توسعه‌یافته: مروری بر ادبیات» نشان دادند اثر بی‌اطمینانی اقتصادی بر رفتار و نیت باروری با توجه به جایگاه اجتماعی، به‌ویژه سطح تحصیلات متفاوت بوده است؛ به‌طوری‌که افراد

1. Emmott, Myers, & Page

2. Sobotka

تحصیل کرده‌تر غالباً رفتار اجتناب از خطر را در پیش می‌گیرند. درآمد کم و ناکافی، کاهش ساخت‌وساز مسکن و کمتر در دسترس بودن وام‌های کمک‌کننده سبب نایاب شدن مسکن برای زوجین جوان‌تر می‌شود و این مسئله در کشورهایی که داشتن مسکن شخصی را پیش‌زمینه‌ای برای والدشدن در نظر می‌گیرند، احتمالاً اثر منفی بر نیت باروری دارد. پرلی هریس^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه «اوکراین: در مرز بین قدیم و جدید» تأکید کرد بی‌ثباتی‌های سیاسی که به آنومی‌های اجتماعی و شکست در هنجارهای اجتماعی منجر شده از عوامل اساسی کاهش باروری به سطوح پایین است.

گرچه رشد مهمی در انجام مطالعات کیفی در سال‌های اخیر در حوزه فرزندآوری، ارزش فرزند و زمینه‌های رفتار باروری پایین دیده شده است، ولی این مطالعات از نظر مبانی نظری، نمونه مورد بررسی، بستر مطالعه و هدف و نوع رویکرد کیفی با مطالعه حاضر تفاوت‌های مهمی دارند. یکی از نکات متمایزکننده مطالعه حاضر این است که پژوهش حاضر، با هدف فهم درون‌ذهنیت زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند ساکن شهر اصفهان از ترس‌های خود در مواجهه با مسئولیت‌پذیری در رابطه با فرزند انجام شده است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

برای تحلیل رفتار باروری و در نتیجه گذار از باروری در جوامع، نظریات متفاوتی از جمله نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی و ساختاری و نظریه‌های هنجاری فرهنگی مطرح شده است. در نظریه‌های انتخاب عقلانی و ساختاری، رویکردهای اقتصادی نقش اساسی دارند. گری بکر^۲ یکی از نظریه‌پردازان این رویکرد است که با بهره‌گیری از تحلیل نقش مشارکت نیروی کار زنان، مدلی برای درک رابطه باروری و اقتصاد ترسیم می‌کند. یکی از تبیین‌های ساختاری، نظریه اقتصاد خرد باروری است. عنصر اساسی در این نظریه انگیزه یا منطق خواستن خانواده بزرگ یا کوچک است و تحلیل‌های هزینه-فایده در تصمیمات باروری نقش اصلی دارد. در این رویکرد، افراد به عنوان عاملان منطقی در نظر گرفته می‌شوند که این توانایی را در ارزیابی شرایط خود دارند و سعی در بالابردن منافع خود دارند. به‌زعم بکر (۱۹۶۰) افراد در تصمیم‌گیری برای اینکه بچه داشته باشند یا نه، مزایا و هزینه‌های داشتن فرزند اضافی را سبک‌سنگین می‌کنند. براین اساس، افراد دانش یا درک مناسبی از هزینه‌ها و منافع داشتن فرزند اضافی دارند. در سال‌های اخیر ابعاد دیگری از مدل انتخاب عقلانی و نظریات مربوط به هزینه و فایده فرزندان توسط محققان و صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است. نظریه اجتناب از خطر^۳ یکی از نظریاتی است که از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار^۴ (بکر، ۱۹۶۰) ریشه می‌گیرد. نظریه اجتناب از خطر، بعد بی‌اطمینانی را به فرایند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند. استدلال اصلی این رویکرد این است که پدر و مادر مسئول، زمانی تصمیم به فرزندآوری خواهند گرفت که قادر باشند نه تنها تحت شرایط کنونی، بلکه در آینده نیز فرزندان را حمایت کنند.

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نیز نزدیک‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار را قصد فردی برای انجام دادن یک رفتار معین می‌داند که تحت تأثیر نگرش‌ها شکل می‌گیرد. اصل اساسی در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده این است که انتظارهای فعلی بهترین پیش‌بینی‌کننده کنش‌ها و رفتارهای آینده است (آیزن^۵، ۱۹۹۱؛ شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵). در این الگو، انجام دادن یک رفتار یا دستیابی به

1. Perelli-Harris
2. Gary Becker
3. Risk Aversion Theory
4. New Home Economics
5. Ajzen

یک هدف به‌عنوان یک عمل عقلانی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا رفتار به‌طور مستقیم مبتنی بر قصدی است که خود با فرایند استدلال شکل می‌گیرد.

در نظریه‌های هنجاری فرهنگی، کللند و ویلسون^۱ معتقدند رویکرد اشاعه در مقایسه با تبیین‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی، تبیین جامعی از گذار باروری ارائه می‌دهد. در این رویکرد، عوامل فرهنگی بر باورها و عقاید افراد تأثیر می‌گذارند. در این دیدگاه کاهش تمایل به باروری از گسترش ایده‌های جدید و آگاهی از کنترل باروری نشأت می‌گیرد، نه تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی (عباسی شوازی، ۱۳۸۹: ۱۰).

از نظریاتی که به تحولات نگرشی و فرهنگی در شکل‌گیری ایدئال‌های فردی درباره خانواده و تبیین تحولات جمعیتی تأکید دارد، نظریه گذار دوم جمعیتی است. نظریه گذار دوم جمعیتی، پیوند میان تحولات جمعیتی با ظهور تحولات ارزشی و فرهنگی جدیدی را مطرح می‌کند که نیروی خود را بیشتر با الگوهای نوین خانواده اعمال می‌کند. این تحولات ارزشی و فرهنگی، از جهان توسعه‌یافته آغاز شده و در حال گسترش به سایر نقاط جهان است. درواقع، آنچه به‌عنوان عامل متمایزکننده گذار دوم جمعیتی از گذار اول جمعیتی در نظر گرفته شده، دل‌مشغولی فراگیر و گسترده به خودتحقق‌بخشی، آزادی انتخاب فردی، توسعه شخصیت و شیوه‌های زندگی است که در تشکیل خانواده، نگرش به تحدید مولید و انگیزه‌های والدشدن بازتاب می‌یابد (وندکا، ۲۰۰۱؛ شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶)؛ بنابراین متأثر از گذار جمعیتی دوم و با در نظر گرفتن موقعیت جامعه ایران، برخی ارزش‌های خانواده در ایران تغییراتی کرده است؛ از جمله اینکه با تغییر چشمگیر نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده، سن ازدواج افزایش یافته است. همین عامل نشانه تغییر در نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده و تغییر اساسی ارزش فرزند و فرزندآوری است (اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳: ۲۶۸).

با توجه به نظریات مرتبط با باروری، در این مطالعه ترکیبی از نظریه‌های انتخاب عقلانی، نظریه گذار دوم جمعیتی، نظریه اجتناب از خطر مبنای نظری هدایت‌کننده پژوهش هستند. براین اساس در این پژوهش با بهره‌گیری از این چارچوب مفهومی به بازتفسیر معنای فرزند در حوزه ترس از مسئولیت فرزند از نگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش می‌پردازیم.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب پارادایم تفسیری، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند استراوس و کربین (۱۳۹۱) است و به بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تغییر تمایل به فرزندآوری از بعد ترس از مسئولیت فرزند، میان زوجین بی‌فرزند و زوجین تک‌فرزند می‌پردازد. جامعه پژوهش شامل ۱۵ زوج بی‌فرزند ارادی است که حداقل سه سال از ازدواجشان می‌گذرد و همچنین ۱۵ زوج تک‌فرزند که یک فرزند بالای ۵ سال دارند و به‌طور ارادی تک‌فرزندی را انتخاب کرده‌اند. مصاحبه با یکی از زوجین صورت گرفته است؛ زیرا تصمیم به فرزندآوری یک تصمیم دوفره است و بنابراین ممکن است برخی از دلایل زوجین در این زمینه مشترک باشد. به همین سبب تا حد امکان از مصاحبه‌های زوجی خودداری شد. برای دستیابی به نمونه‌های مرتبط، از نمونه‌گیری نظری هدفمند استفاده شد. فرایند مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. در این فرایند با ۳۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. به‌طور میانگین، زمان هر مصاحبه ۴۰ تا ۹۰ دقیقه بود. بازه زمانی مصاحبه‌ها نیز از فروردین ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۳ به مدت پنج ماه بود.

گردآوری داده‌های تحقیق با جلب رضایت و اعتماد مشارکت‌کنندگان برای همکاری صادقانه، بیان هدف‌ها، ماهیت پژوهش و تأکید بر محرمانه‌ماندن اطلاعات صورت گرفت. مصاحبه‌شوندگان با آگاهی کامل به فرایند مصاحبه با شرکت در پژوهش موافقت کردند. برای ارزیابی پژوهش کیفی از ملاک‌های لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) مطرح شده است. برای دستیابی به اعتبارپذیری، ابتدا از تکنیک کنترل از سوی اعضا استفاده شد. به این صورت که بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها، از تعدادی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا ارزیابی و نظر خود را درباره صحت یافته‌ها مطرح کنند. همچنین برای انتخاب مقوله‌های مناسب از نظر استادان خبره استفاده شد. استفاده از نظریه‌های هم‌تایان علمی و خبره یکی از ملاک‌های تأمین اعتبار تحقیق در مطالعات کیفی است. ویژگی‌های افراد حاضر در پژوهش در جدول ۱ آمده است. مشارکت‌کنندگان در بازه سنی ۲۸ تا ۴۵ سالگی هستند. تحصیلات شرکت‌کنندگان از دیپلم تا دکتری است و در زمینه‌های شغلی کارمندی، دبیری، شغل آزاد، خانه‌داری و... فعالیت داشته‌اند. برای حفظ حریم خصوصی شرکت‌کنندگان تمامی اسامی مستعار است.

بعد از مصاحبه، با رعایت موازین اخلاقی (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۶؛ مرادی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱) هر مصاحبه به صورت دقیق مکتوب شد. فرایند تجزیه و تحلیل به صورت دستی و به روش استراوس و کربین (۱۳۹۱) صورت گرفت و در سه سطح کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ (گزینشی) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، پس از مکتوب‌شدن مصاحبه‌ها، گزاره‌های اصلی معنادار متن استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری، از میان مفاهیم استخراج‌شده برحسب همگنی و تجانس، مقوله‌بندی فرعی صورت گرفت. همچنین در کدگذاری انتخابی نیز با مرور مقوله‌ها و مفاهیم، پدیده مرکزی شناسایی شد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزند
نیلوفر	۲۸	کارشناسی	حسابدار	بی‌فرزند
مهسا	۲۸	دیپلم	تولید محتوا	بی‌فرزند
سارا	۲۹	کاردانی	آرایشگر	تک‌فرزند
بتول	۳۱	دیپلم	خانه‌دار	تک‌فرزند
مونا	۳۵	کارشناسی	بازیگر تئاتر	بی‌فرزند
مریم	۳۵	کارشناسی ارشد	مشاور	بی‌فرزند
الهه	۳۵	کارشناسی	ماساژ درمانی	بی‌فرزند
فرهاد	۳۵	کارشناسی ارشد	آزاد	بی‌فرزند
مریم	۳۶	کارشناسی ارشد	کارمند	تک‌فرزند
غزال	۳۷	کارشناسی ارشد	مربی ورزشی	بی‌فرزند
امین	۳۷	کارشناسی	کارمند	بی‌فرزند
فاطمه	۳۷	کارشناسی	عکاس	تک‌فرزند
نرگس	۳۷	کارشناسی	معلم	تک‌فرزند
امیر	۳۸	کارشناسی	آزاد	بی‌فرزند
مهرین	۳۸	کارشناسی	کارمند	بی‌فرزند

1. Lincoln & Guba
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding

نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزند
ریحانه	۳۸	کارشناسی ارشد	کارمند	بی‌فرزند
الهه	۳۸	کارشناسی	خانه‌دار	تک‌فرزند
فریده	۳۸	کاردانی	خانه‌دار	تک‌فرزند
سمیه	۳۸	کارشناسی ارشد	خانه‌دار	تک‌فرزند
سارا	۳۸	کارشناسی	معلم	تک‌فرزند
الهام	۳۸	کارشناسی	کارمند	تک‌فرزند
مهدیه	۳۹	کارشناسی	پرستار	بی‌فرزند
زهرا	۳۹	دکترا	دبیر	تک‌فرزند
رؤیا	۳۹	کارشناسی	دبیر	تک‌فرزند
شهین	۴۰	کارشناسی	پرستار	بی‌فرزند
مجید	۴۰	کارشناسی	کارمند	بی‌فرزند
ناهید	۴۰	کارشناسی ارشد	مشاور	تک‌فرزند
احمد	۴۱	کارشناسی ارشد	آزاد	بی‌فرزند
هاجر	۴۱	دیپلم	خانه‌دار	تک‌فرزند
پرپسا	۴۳	کارشناسی ارشد	حسابدار	تک‌فرزند

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌ها زمینه‌های تغییر تمایل به باروری و تغییر معنای فرزندآوری را در زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند، نشان می‌دهد. با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان این دلایل و زمینه‌ها را در ۲۴۰ مفهوم، ۵۱ مقوله فرعی و ۱۳ مقوله اصلی و درنهایت یک مقوله هسته تقسیم کرد.

جدول ۲. مقوله‌های فرعی و اصلی تشکیل‌دهنده مقوله هسته

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله هسته
بی‌ثباتی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر	دغدغه‌های اقتصادی و مشکل مسکن	مسئولیت‌پذیری فرزندزدا
	شرایط ناامن اجتماعی	
	ترس از آینده نامعلوم	
	خشکسالی و کمبود آب و مشکلات زیست‌محیطی	
	بی‌ثباتی شغلی	
	شرایط بی‌ثبات کشور	
	نابرابری‌های اجتماعی	
	ناامنی سیاسی و نبود آزادی در جامعه	
	ناکارآمدی سیستم آموزشی	
	کاهش اعتماد اجتماعی	
ترس از مسئولیت	احساس مسئولیت فراوان زوجین در قبال فرزند	مسئولیت‌پذیری فرزندزدا
	بار سنگین مسئولیت فرزند	
	زیربارن‌رفتن زوجین برای سختی‌های مسئولیت فرزند	
	افزایش آگاهی زوجین در قبال مسئولیت‌پذیری	
	افزایش آگاهی و تمایل به کاهش فرزندآوری	

مقوله هسته	مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
	دغدغه های انباشته تربیتی	افزایش توقعات فرزندان
		تغییر سبک های فرزندپروری
		دشواری تربیت فرزند در جامعه
		گرایش شدید نسل جدید به فضای مجازی
	افزایش توقعات زوجین	افزایش توقعات زوجین
		حساسیت شدید زوجین
		کیفی نگری زوجین
		نداشتن جواب قانع کننده برای داشتن فرزند
		ناتوانی در تأمین نیازهای شخصی
	یک ده آباد به از صد شهر خراب	انتخاب آگاهانه تک فرزندی با وجود آگاهی به آسیب های تک فرزندی
		ناتوانی در تأمین نیازهای بیش از یک فرزند
	تمایل به بی فرزندی و مهاجرت	تمایل به بی فرزندی در ایران
		تمایل به مهاجرت
	ترس از بارداری	تجربه زیسته ناخوشایند از گذشته خود
		تجربه زیسته سخت دوران بارداری و بعد از آن
	نبود امنیت خاطر از سمت همسر	نبود امنیت خاطر از سمت همسر
	اولویت رشد و توسعه فردی زوجین	سلب آزادی و فرصت های پیشرفت
		اولویت رشد و توسعه فردی
		نداشتن فرصت کافی برای فرزندپروری
	ترس از ازدست دادن فرزند	افزایش سن و ترس از فرزندآوری
		ترس از معلولیت فرزند
		ترس از ازدست دادن فرزند
	تغییرات هستی شناختی زوجین	تغییر شرایط زندگی
		تغییر روحیه زوجین
		تغییر طرز فکر زوجین
		تغییر علائق زوجین
		کمرنگ شدن باورهای دینی
	بازتفسیر معنای فرزند	فرزند زیاد نشانه فقر فرهنگی
		از خودگذشتگی و محروم کردن خود از تجربه لذت بخش پدری و مادری به خاطر ندادن رنج به فرزند
		دادن زندگی به فرزند بی سرپرست و نداشتن عذاب وجدان در قبال آوردن فرزند در دنیای پر از رنج
		نداشتن فرزند و وجدان راحت
		فرزند کمتر دنیای بهتر
		ادامه زندگی در آینده ای بدون فرزند
		آینده در خانه سالمندان
		فرزندآوری و افزایش چالش های زندگی
	سود و زیان های فرزندزدا	غالب بودن زیان های فرزندآوری بر سودش

۱-۵. بی‌ثباتی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر

مشارکت‌کنندگان پژوهش مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و آموزشی جامعه را برای فرزندآوری و رشد فرزند مناسب نمی‌دانستند. آنان بر این تصور بودند که شرایط بی‌ثبات در کشور ترس از فرزندآوری را ایجاد کرده است. در این زمینه فرهاد (۳۵ ساله، بی‌فرزند با تحصیلات کارشناسی ارشد) می‌گوید: «لان مثل قبل نیست. سطح آگاهی‌ها خیلی بیشتر از قبل شده. مسئله تحصیل بوده، مسئله نگرش بوده. شما وقتی یک روح رو پاشو باز می‌کنی به این دنیا در قبالت مسئولی. درست تربیتش کنی. حالا من امنیت اقتصادی رو هم بذارم کنار، می‌گم شما درست تربیتش کن، راه و رسم رو بهش نشون بده، اون دیگه بزرگ می‌شه خودش می‌دونه باید چیکار کنه چیکار نکنه. اما وقتی دوباره برمی‌گردم به همون حرف اولم. وقتی من می‌بینم اگه از راه صحیح هم تربیتش کنم، جامعه‌ای که شرایط بی‌ثبات و ناسالم داره پایین تا بالاش نمی‌تونه گلیمش رو از آب بکشه بیرون و قراره سختی بکشه، این مسئولیتش بر گردن من می‌افته که با دیدن این شرایط بی‌ثبات کشور در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی برای چی همچین کاری کردم. این جا من مسئولم.»

۲-۵. ترس از مسئولیت

در جامعه فعلی و در گذار از جامعه سنتی به مدرنیته، معنای فرزندآوری متفاوت شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند زنان در گذشته برای اثبات باروری خود بچه‌دار می‌شدند یا اینکه بچه به‌نوعی برایشان حالت سرگرمی داشت، اما امروزه این‌طور نیست و دیدگاه زوجین به فرزند متفاوت شده است. آن‌ها خود را در برابر فرزند مسئول می‌دانند و به همه جوانب داشتن فرزند فکر می‌کنند. مشارکت‌کنندگان احساسات منفی خود را در عناوینی مانند «دشواری فرزندآوری، پرمسئولیت‌بودن، ترس و نگرانی و همچنین پرهزینه‌بودن» آن عنوان می‌کنند؛ برای مثال امین (۳۷ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی) معتقد است: «بچه مسئولیت داره و مثل گذشته نیست که بچه بیاد و بزرگ بشه و تو کوچه باشه و برنامه‌ای نداشته باشه و باری به هر جهت باشه. نمی‌تونم موجود بی‌گناهی که مسئولیتش با منه رو وارد این فضای مسموم کنم. قبلاً خانواده‌ها راحت‌تر بودن، همه یه شکل و در یه حد بودن، شکاف طبقاتی نبود، مد مطرح نبود، احترام‌ها بیشتر بود، کوچیک و بزرگی وجود داشت، اما در این فضای به شدت مسموم جامعه قطعاً مسئولیت پدر و مادر سخت شده و ترس‌ها و نگرانی‌ها بیشتر.»

۳-۵. دغدغه‌های انباشته تربیتی

تربیت صحیح فرزند یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین است. درواقع یکی از بزرگ‌ترین مشغولیت‌های ذهنی هر پدر و مادری این مسئله است. اما با توجه به رشد مسئولیت‌پذیری زوجین و افزایش آگاهی در آنان، دغدغه‌های تربیتی برجسته‌تر شده است. تغییر ویژگی‌های فرزندان امروزی در مقایسه با نسل‌های گذشته یکی از عواملی است که در تغییر معنای فرزند نقش داشته است. افزایش مطالبات و خواسته‌های فرزندان نسل‌های حاضر، نگرانی‌هایی را در زوجین به‌وجود آورده است. بخشی از این نگرانی‌ها بابت هزینه‌ها و مسائل اقتصادی و بخشی دیگر از باب مسائل تربیتی و تغییر سبک‌های فرزندپروری است. هاجر (۴۱ ساله، تک‌فرزند، با مدرک دیپلم) می‌گوید: «با توجه به شرایط فرهنگی جامعه که متفاوت شده و پدر و مادرها همین‌طور باید خواسته‌های بچه رو برآورده کنن که اگه نکنن سرخورده می‌شه، افسرده می‌شه و... اگه هم برآورده کنن بچه راحت‌طلب می‌شه، زیاده‌خواه می‌شه، بی‌مسئولیت می‌شه و... اینه که شرایط سخت شده برای پدر و مادرها و من خودم می‌گم از پس این یکی بریام خودش خلیه و به بچه دوم اصلاً نمی‌تونم فکر کنم.»

۴-۵. افزایش توقعات زوجین

تربیت و کیفیت فرزند اهمیت بسیار زیادی برای همهٔ پاسخگویان دارد؛ به طوری که همگی به نوعی به آن اشاره کردند و استانداردهایی برای آن در نظر داشتند. زوجین با هر موقعیت اجتماعی-اقتصادی استانداردهایی را برای زندگی و آیندهٔ فرزندآوری خود در نظر گرفته‌اند؛ استانداردهایی که به شکل کمال‌گرایی بروز یافته است. آنان معتقدند همه چیز باید برای آیندهٔ فرزند مهیا باشد. شرایط اقتصادی خیلی خوب، شرایط تربیتی عالی، شرایط زیست‌محیطی مناسب و... از جمله شرایطی است که زوجین برای داشتن فرزند الزامی می‌دانند. در این زمینه مریم (۳۵ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی ارشد) می‌گوید: «با وجود مشکلات فرهنگی و اجتماعی‌ای که هست، مشکلات اقتصادی داریم و این‌ها بار پدر و مادر رو سنگین می‌کنه و تربیت رو سخت و پیچیده. دیگه بچه‌های الان به حداقل‌ها قانع نیستن و سبک و سیاق زندگی عوض شده. آدم باید وجدان داشته باشه و زمانی که مسئولیت چیزی رو قبول می‌کنه، جنبه‌های مختلف رو بررسی کنه و با آگاهی این تصمیم رو بگیره. من در خودم چنین توانی، در چنین جامعه‌ای برای تربیت فرزند سالم و صالح نمی‌بینم. طرف رو می‌بینم ماشین نداره و بچه داره، بچه مریض شده با موتور بچه رو می‌بره بیمارستان. حداقل به تاکسی بگیره. بچه آوردن کار ساده و راحتی نیست. ما مسئولیم در قبال کاری که می‌کنیم. من خودم تا زمانی که به یک اعتماد نسبی در همهٔ این موارد نرسم بچه نمی‌آرم؛ چون در قبالش مسئولم و باید پاسخگو باشم.»

۵-۵. یک ده آباد به از صد شهر خراب

فرزند از نگاه برخی پاسخگویان می‌تواند زندگی‌ای را که دچار روزمرگی شده تغییر دهد و نوعی شادی و نشاط با خود به همراه بیاورد. اما در کنار این حس، دلهره‌ها و نگرانی‌های پاسخگویان نسبت به فرزند و مسئولیت فرزند، بیشتر است. از این رو معتقدند با توجه به دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های همه‌جانبه درمورد فرزند و با وجود آگاهی به آسیب‌های تک‌فرزندی، آگاهانه و به‌طور ارادی تک‌فرزندی را انتخاب کرده‌اند. در این زمینه، الهام (۳۸ ساله، تک‌فرزند با تحصیلات کارشناسی) می‌گوید: «شاید تک‌فرزندی از نظر روحی و روانی آسیب‌هایی در پی داشته باشه و همه می‌گن خواهر و برادری نداره و مفهوم خاله و عمه و دایی و نمی‌دونم این چیزها رو درک نمی‌کنه، اما ضرب‌المثلی که می‌شه در این رابطه گفت و شاید جواب کافی برای این موضوع هم باشه اینه که یک ده آباد بهتر از صد شهر ویرانه‌ست. من نظرم اینه.»

۶-۵. تمایل به بی‌فرزندی و مهاجرت

در گفت‌وگو با پاسخگویان، نوعی حس غریزی درونی قوی به فرزند در بیشتر زوجین بی‌فرزند وجود داشت که در مصاحبه‌ها تکرار می‌شد. بیشتر پاسخگویان علی‌رغم داشتن طیفی از شرایط یا نگرش‌ها که مانع تصمیم فرزندآوری در آن‌ها شده، نوعی نگاه مثبت به فرزند و حس پدری و مادری و بالارزش بودن فرزند دارند. علت پرهیز از فرزندآوری با توجه به احساس مسئولیت فروان در زوجین در قبال فرزند، اهمیت ملاحظات محیطی شامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و دغدغه‌های تربیتی فرزند در جامعه است. برخی از آن‌ها معتقدند اگر در کشوری با شرایط و امکانات بهتر زندگی می‌کردند، در تعداد و زمان فرزندآوری‌شان تجدیدنظر می‌کردند. ریحانه (۳۸ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی ارشد) بیان می‌کند: «تمام این مسائل اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی که داریم منوط به مدیریتته. اکثر دوست‌هام که رفتن خارج از ایران بچه‌دار شدن خیلی راضی و خیلی اوکی هستن؛ چه به لحاظ تسهیلاتی که در اختیارشون هست و چه مسائل دیگه. من فکر می‌کنم ممکنه کلاً بچه‌دار نشدن روندی جهانی باشه، ولی تو ایران این روند خیلی زیاده و این واقعاً جای ترس داره. به علت اصلی که من نمی‌خوام بچه‌دار بشم اینه که وقتی کسی تو ایران بچه‌دار می‌شه، مدام

باید با تضادها در حال مبارزه باشد. تو فرهنگ خانواده به چیزی یاد می‌گیری، تو جامعه به چیز دیگری، تو مدرسه به چیز دیگری، مدام باید تظاهر کنه، مدام باید دروغ بگه. اینو من به نسبت کسایی که تو خارج می‌بینم و آشنایی که داشتم در کانادا، دیدم اون‌ها خیلی صادق‌ترن نسبت به بچه‌های همسن‌وسالسون تو ایران. شما الان نگاه کنید اون غارتی که داره از کشور می‌شه مسئله نفت نیست، مسئله هوشه که ضریب هوشی داره به سمت پایین نزول می‌کنه؛ چون اکثر کسایی که هوش زیادی دارن یا بچه‌دار نمی‌شن یا مهاجرت می‌کنن و مثلاً خب این خیلی می‌تونه تأثیر بدی داشته باشه و این خیلی جای افسوسه. کسایی که می‌خوان آینده رو بسازن کی‌ها هستن؟ این قضیه واقعاً نیاز به فکر و تأمل داره.»

۷-۵. ترس از بارداری

بارداری دوران پرفراز و نشیبی برای زنان است. در این دوران نگرانی‌های طبیعی دربارهٔ مشکلات دوران بارداری، سلامت جنین و چگونگی زایمان وجود دارد. معمولاً این ترس در کسانی رایج است که سابقهٔ بارداری خطرناک و سخت یا تجربهٔ سقط‌جنین دارند یا حتی اطرافیان‌شان بارداری و زایمان سختی داشته‌اند. این تجربه خود به‌عنوان مانعی برای فرزندآوری است؛ برای مثال، زهرا (۳۹ ساله، تک‌فرزند با تحصیلات دکتری) می‌گوید: «کلاً من در دوران بارداری به بعد خیلی اذیت شدم. خیلی تنها بودم تو بارداری. احساس نیازم به محبت برآورده نشد. افسردگی شدید داشتم. خیلی طاقت‌فرسا بود. اگه به عقب برمی‌گشتم، بی‌فرزندی رو انتخاب می‌کردم.»

۸-۵. نبود امنیت خاطر از سمت همسر

این مقولهٔ اصلی به اهمیت کیفیت رابطهٔ زناشویی قبل از فرزندآوری اشاره می‌کند. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند درست است که فرزندآوری می‌تواند تأثیر مثبت احساسی، روانی و رفتاری بر زندگی زناشویی داشته باشد، اما فرزندآوری در شرایط متشنج زندگی عقلانی نیست و اضافه‌کردن باری بر مشکلات زندگی است. زوجین فرزند را عاملی برای بهبود روابط خود نمی‌دانند و معتقدند در فضایی که اختلافات زناشویی وجود دارد و امنیت خاطر نیست، فرزندآوری نه‌تنها تأثیر مثبت ندارد، بلکه مشکلات را افزایش می‌دهد؛ برای مثال، زهرا (۳۹ ساله، تک‌فرزند با تحصیلات دکترا) به این نکته اشاره می‌کند: «مطلب مهم از نظر من رابطهٔ بین زن و شوهره. آیا این رابطه که بین اونا حکمفرماست متناسب با آوردن بچه هست یا نیست؟ من فارغ از مواردی که مطرح شد، با این شرایطی که الان دارم و در وضعیتی که هستم، اگر از نظر اقتصادی هم وضعم خوب بود به گزینهٔ بچه دوم فکر نمی‌کردم. چون نبود امنیت خاطر برای خانم از طرف همسر عدم امنیت برای بچه می‌آره.»

۹-۵. اولویت رشد و توسعهٔ فردی

با توجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت زنان نسل جدید در مقایسه با نسل پیشین، به‌خصوص زنان شاغل و تحصیل‌کرده، هویت خود را در مادرشدن نمی‌جویند، بلکه بیشتر هویت خود را در تحصیلات، اشتغال و حضور فعال در جامعه می‌دانند. به‌نظر می‌رسد فرزند هویت‌بخش زنان در نسل‌های گذشته بوده؛ درحالی‌که امروزه زنان با عناصر دیگر مانند تحصیلات و اشتغال به جستجوی هویت اجتماعی هستند که در رقابت با فرزند قرار می‌گیرد (خلج‌آبادی فراهانی و کیانی علی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۳). درمورد توسعهٔ فردی، ریحانه (۳۸ ساله، بی‌فرزند با تحصیلات کارشناسی ارشد) توضیح می‌دهد: «آیندهٔ بدی برای بی‌فرزندی خودم نمی‌بینم؛

چون سعی می‌کنم تفریحات خودمو داشته باشم؛ مثلاً سفر یا مثلاً توسعه فردی رو داشته باشم. ورزش برام خیلی جایگاه مهمی داره. داشتن بدن خوب، سلامت روان و این‌ها باعث شده الان که تصمیم جدی دارم بچه‌دار نشم، به این مسائل بیشتر اهمیت بدم.»

۱۰-۵. ترس ازدست‌دادن فرزند

در کنار نگاه مثبت به فرزند، مشارکت‌کنندگان از نوعی حس ترس و نگرانی برای فرزنددارشدن صحبت می‌کنند. برخی از پاسخگویان ترس از ازدست‌دادن فرزند و بعضی از آن‌ها نگرانی از افزایش سن و خطر معلولیت فرزند را دارند. مونا (۳۵ ساله، بی‌فرزند با تحصیلات کارشناسی) معتقد است: «به نظر من اینکه مثلاً به موجودی رو خلق کنی... حتی این دیدگاه رو نسبت به گیاه و حیوان‌های خونگی هم دارم که مثلاً به چیزی رو بیاری و بهش وابسته بشی و مدام ترس ازدست‌دادنش رو داشته باشی... مثلاً می‌گم اگر که من بخوام بچه‌دار بشم و خدای نکرده بر حسب اتفاق اونو از دست بدم، فکر نمی‌کنم بتونم دیگه سرپا بشم و این خیلی برام مقوله مهمیه. این هم یکی از دلایلیه که بهش فکر می‌کنم.»

۱۱-۵. تغییرات هستی‌شناختی زوجین

دلیل دیگر عدم تمایل به فرزندآوری در زوجین، تغییر فضای فکری و علائق و روحیات آنان است. آمادگی روانی زوجین برای فرزندآوری یکی از موارد مهم و تکرارشونده است. زوجین معتقدند فرزندآوری مسئولیت و وظیفه سنگینی است و زمانی باید برای آن تصمیم بگیرند که از نظر روانی به سطحی از آمادگی لازم برسند. همچنین بیان کردند که با توجه به بی‌ثباتی همه‌جانبه در کشور رسیدن به این آمادگی و تصمیم‌گیری در امر فرزندآوری، دشوار به نظر می‌رسد. پریسا (۴۳ ساله، تک‌فرزند با تحصیلات کارشناسی ارشد) می‌گوید: «آخه ما چه دلخوشی‌ای داریم؟ چی داریم که مثلاً بخوایم دلمونو خوش کنیم؟ از نظر فکری باید استرس داشته باشیم. حالا این چی می‌شه؟ آینده‌ش چی می‌شه؟ اقتصادش چی می‌شه؟ آدم با این همه فکر دیگه روحیه‌ای براش می‌مونه؟ بعضی خانواده‌ها می‌گن بچه می‌آد و با هم بزرگ می‌شن و چیکار دارن مگه، روزی شون رو خدا می‌رسونه... اما من به شخصه خودم آدمی‌ام که نمی‌تونم خودمو راضی کنم. اصلاً نمی‌تونم الله‌بختکی کاری رو پیش ببرم.»

۱۲-۵. بازتفسیر معنای فرزند

در گذار از جامعه سنتی به مدرنیته بسیاری از مفاهیم متفاوت شده‌اند. فرزندآوری نیز از این امر مستثنا نیست و زمان عامل مؤثر در تحول معنای فرزند از دیدگاه زوجین است. به اعتقاد مشارکت‌کنندگان، با تغییر شرایط اجتماعی و دوره‌های زمانی، معانی هم دچار تغییر می‌شوند؛ به‌طوری‌که معنای فرزند در طول زندگی فرد و همچنین از نسلی به نسل دیگر در حال تغییر و دستخوش گذار معنایی است. آنان معتقدند دیگر مثل پدران و مادران خود فکر نمی‌کنند. در گذشته زنان برای اثبات باروری خود بچه‌دار می‌شدند، شاغل نبودند و برای مردان هم این‌گونه بود که زنان در خانه بنشینند و بچه‌داری کنند. اما امروزه این دیدگاه دچار تحول شده است؛ برای مثال، فرهاد (۳۵ ساله، بی‌فرزند با تحصیلات کارشناسی ارشد) معتقد است: «من صددرصد به این معتقدم که به قسمتی از رشد شخصیت یک انسان زمانی شکل می‌گیره که می‌تونه پدرشدن یا مادرشدن رو تجربه کنه. اما وقتی تو کفه ترازو می‌ذارم، می‌بینم مسئولیتی که داره و اینکه پس‌فردا نتونم پاسخگو باشم نسبت به فرزندم، می‌چربه به این حس ازدست‌دادن طعم پدرشدن. حالا ممکنه بعداً در آینده احساس نیاز شدید بکنیم و اگر شرایط زندگی و امنیت اقتصادی مون مهیا بشه، بعدها بچه از پرورشگاه بیاریم و اون حس رو هم تجربه کنیم.»

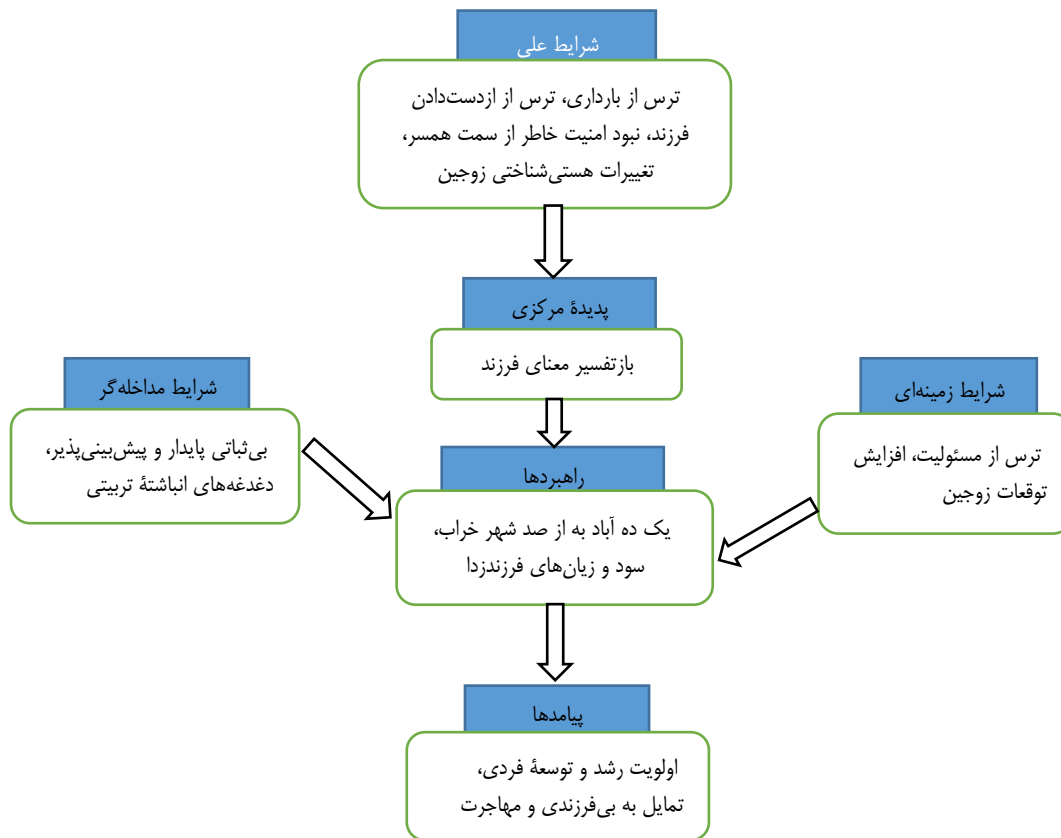
۱۳-۵. سود و زیان‌های فرزندزدا

مشارکت‌کنندگان معتقدند خودشان در زندگی با چالش‌های بسیاری مواجه هستند و فرزندآوری چالش‌های زندگی را افزایش می‌دهد. از طرفی با اشاره به نکات مثبت داشتن فرزند، زیان‌های فرزندآوری را در جامعه فعلی بیش از سود آن می‌دانند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که تصمیم فرزندآوری به تصمیمی کاملاً عقلانی در نسل جدید تبدیل شده است و در کفه ترازو همه جوانب را می‌سنجند. آن‌ها کمتر در این حوزه خطرپذیرند و تلاش می‌کنند کنترل شرایط را در دست داشته باشند و با برنامه‌ریزی دقیق پیش بروند. علت این موضوع عدم اطمینان از شرایط فردی و اجتماعی است. زوجین عاقلانه، با دقت و با نوعی سخت‌گیری، مجموعه شرایط را می‌سنجند و سپس برای فرزندآوری تصمیم می‌گیرند. امین (۳۷ ساله، بی‌فرزند با تحصیلات کارشناسی) می‌گوید: «زیان بی‌فرزندی این‌ه که به قول قدیمی‌ها زنگوله پاتابوت نداریم و ترس از تنهایی در آینده، اونم شاید. کلاً ما دید مثبت به بچه‌دار شدن نداریم و فکر می‌کنیم زیانش بیشتر از سودش هست. سود اینکه بچه نداریم این‌ه که یه موجود اضافه‌ای رو نیاوریم در این دنیای خاکستری‌رنگ که امیدیه به آینده نداریم. حداقل این‌ه که عذاب وجدان نداریم و فقط دغدغه دوتایی‌مون رو داریم.»

۱۴-۵. مدل پارادایمی

مدل پارادایمی پژوهش نشان‌دهنده فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه رخ داده است. پویایی‌های این پژوهش نشان می‌دهد پدیده مرکزی در پژوهش حاضر «بازتفسیر معنای فرزند» بوده است. بدین معنا که زوجین بسیاری با وجود شرایط اقتصادی مطلوب تمایلی به فرزندآوری ندارند؛ زیرا با توجه به دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن، شکل جدیدی از خانواده در ایران نیز به وجود آمده که معنای فرزند را هم به‌طور کلی تغییر داده است. نتیجه این تغییرات کاهش باروری و افزایش زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند است. شرایط علی که علت اصلی بروز پدیده هستند، در پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ترس از بارداری، ترس از ازدست‌دادن فرزند، نبود امنیت خاطر از سمت همسر و تغییرات هستی‌شناختی زوجین. شرایط زمینه‌ای، بافت و بستری هستند که راهبردهای تحقیق در آن به‌وقوع می‌پیوندند. درواقع، این شرایط، شرایط خاص و ویژه‌ای هستند که با راهبردهای مشارکت‌کنندگان در ارتباط‌اند. شرایط زمینه‌ای در این پژوهش، ترس از مسئولیت و افزایش توقعات زوجین است. شرایط مداخله‌گر شرایطی ساختاری است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد و به پدیده تعلق دارد. همچنین بیشتر به نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان اشاره دارد که از بیرون وارد می‌شود. شرایط مداخله‌گر در این قسمت شامل بی‌ثباتی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر و دغدغه‌های انباشته تربیتی است.

راهبردها اقدامات اتخاذشده در پاسخ به پدیده محوری و مرکزی هستند. کنش‌ها و راهبردهای استخراج‌شده در این بخش شامل «یک ده آباد به از صد شهر خراب» و «سود و زیان‌های فرزندزدا» است. فرزند از نگاه زوجین سودی ندارد و در کفه ترازو، زیان‌های فرزندآوری بیش از سود آن است. از نگاه زوجین تک‌فرزند، داشتن فرزند لذتی است که به یک‌بار تجربه‌کردنش می‌ارزد و برای تجربه حس پدری یا مادری، یک فرزند کفایت می‌کند. پیامدها نتایج حاصل از به‌کارگیری راهبردها هستند. به عبارتی نتیجه و ثمره راهبردهایی که کنشگران آن را در مواجهه با شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و پدیده مرکزی اتخاذ می‌کنند می‌توان همان پیامد دانست. پیامدهای روایت‌شده در این قسمت اولویت رشد و توسعه فردی و تمایل به بی‌فرزندی و مهاجرت است.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش بر آن بود تا به واکاوی دلهره‌ها و نگرانی‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری فرزند از نگاه زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند در شهر اصفهان، به‌عنوان یکی از بسترهای باروری پایین برآورد. ماهیت موضوع موجب شد روش کیفی برای شناخت ابعاد معنایی این موضوع به کار گرفته شود. با استفاده از روش کیفی و رویکرد تفسیری و نمونه‌گیری هدفمند، ۳۰ مصاحبه عمیق با زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند انجام شد. با انجام مصاحبه‌ها و استخراج کدهای مفهومی از متن مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها به دست آمد. یافته‌ها زمینه‌های تغییر تمایل به باروری و تغییر معنای فرزندآوری را در زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند نشان می‌دهد.

بر پایه صحبت‌های پاسخگویان آمادگی روانی زوجین برای فرزندآوری یکی از موارد مهم و تکرارشونده بود. زوجین معتقد بودند فرزندآوری مسئولیت و وظیفه‌ای سنگین است و زمانی باید برای آن تصمیم بگیرند که از نظر روانی به سطحی از آمادگی برسند. برخی از آن‌ها اذعان داشتند که زیستن در ایران آن‌ها را به این فلسفه رسانده است که این قدر جزئی و سخت‌گیرانه به همه مسائل نگاه کنند و درباره همه چیز فکر کنند. آنان به اهمیت کیفیت رابطه زناشویی قبل از فرزندآوری اشاره کردند و معتقد بودند فرزندآوری در شرایط متشنج زندگی و با وجود اختلافات زناشویی عقلانی نیست. زوجین فرزند را عاملی برای بهبود روابط خود نمی‌دانند و معتقدند در فضایی که اختلافات زناشویی وجود دارد و امنیت خاطر نیست، فرزندآوری نه تنها تأثیر مثبت ندارد، بلکه مشکلات زندگی

را افزایش می‌دهد و آینده نامعلومی برای فرزند رقم می‌زند. این مطلب نشان‌دهنده اهمیت ثبات زندگی زناشویی قبل از فرزندآوری است که با نتایج مطالعه خلج‌آبادی فراهانی و کیانی علی‌آبادی (۱۳۹۷) همسو است. دغدغه‌های اقتصادی، بی‌ثباتی شغلی‌ای که خانواده‌ها با آن مواجه هستند، بنا بر یافته‌های این پژوهش یکی از عوامل ترس از فرزندآوری بوده است. برخی از پاسخگویان نیز معتقد بودند آن‌قدر فرزند خود را دوست دارند که او را به دنیا نمی‌آورند؛ زیرا زیرساخت‌های جامعه مناسب و مساعد فرزندآوری نیست. آنان از فرزندآوری به‌عنوان «خوشی کاذب لحظه‌ای و درد و رنج و مسائل مادام‌العمر» تعبیر می‌کردند.

همچنین ناامنی‌های اجتماعی که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کرده‌اند، کنش افراد را برای فرزندآوری تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تأیید این یافته، لوتر و همکاران^۱ (۲۰۰۶) کاهش امنیت اجتماعی، خطرهای نااطمینانی‌های اجتماعی و اقتصادی را از عواملی می‌دانند که بر نیت‌های باروری اثرگذار است و از آنجا که جوانان بیشتر درگیر این ناامنی‌ها هستند، ایدئال‌ها و نیت‌های فرزندآوری کاهش پیدا می‌کند. با توجه به بی‌ثباتی پایدار در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و زیست‌محیطی، این احساس در بین پاسخگویان وجود داشت که سیاست‌های موجود موجب کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه شده است. نتایج مطالعه آقایاری‌هیر و همکاران (۱۳۹۵) و شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) بر کاهش اعتماد مردم به دولت تأکید داشت. دغدغه‌های انباشته تربیتی نیز از عوامل مؤثر و کلیدی در تغییر رفتار باروری زوجین است و این نتیجه در مطالعه شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) تأیید شده است. دیدگاه زوجین درباره فرزند با گذشته متفاوت شده است و آن‌ها خود را در برابر فرزند مسئول می‌دانند. در این مطالعه مشارکت‌کنندگان بی‌فرزند و تک‌فرزندی را نتیجه احساس مسئولیت درک‌شده و رشد مسئولیت‌پذیری در برابر به‌دنیاآوردن و بزرگ‌کردن فرزند می‌دانستند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش خلج‌آبادی فراهانی و کیانی علی‌آبادی (۱۳۹۷) و شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) همسو است. آنان معتقدند با توجه به دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های همه‌جانبه درمورد فرزند، با وجود آگاهی به آسیب‌های تک‌فرزندی، به‌طور ارادی و آگاهانه تک‌فرزندی را انتخاب کرده‌اند. این قسمت با نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی مانند نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده صادق است؛ از نگاه مشارکت‌کنندگان در کفه ترازوی عقل، زبان‌های فرزندآوری بیش از سود آن است و این تصمیم عقلانی نیست. در جامعه معاصر با اهمیت‌یافتن خود و مسئولیت شخصی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است؛ بنابراین افراد در تصمیم خود برای فرزندآوری شروع به انتخاب می‌کنند. از طرفی به سبب تمایل به توسعه فردی و خودتحقق و خودشکوفایی ترجیح می‌دهند بیشتر برای رشد خود گام بردارند و در مرحله بعد با لحاظ‌کردن شرایط روانی و اجتماعی مساعد به داشتن فرزند فکر کنند. با توجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت زنان نسل جدید در مقایسه با نسل پیشین، به‌خصوص زنان شاغل و تحصیل‌کرده، هویت خود را در مادرشدن نمی‌جویند، بلکه بیشتر هویت خود را در تحصیلات، اشتغال و حضور فعال در جامعه می‌دانند. این بخش با نظریه‌های هنجاری فرهنگی مانند نظریه گذار دوم جمعیتی صادق است.

جریان فرایندها و فعالیت‌هایی که در بستر این مطالعه بود نشان می‌دهد پدیده مرکزی در این مطالعه «بازتفسیر معنای فرزند» است. با توجه به دوران گذار از جامعه سنتی به مدرنیته، شکل جدیدی از خانواده در ایران نیز به‌وجود آمده که معنای فرزند را هم به‌طور کلی تغییر داده است؛ برای مثال امروزه بی‌فرزند امری طبیعی محسوب می‌شود و تمایل خانواده‌ها به کم‌فرزند و تک‌فرزند را بیشتر مشاهده می‌کنیم. زوجین به اولویت‌های فردی خود بیشتر اهمیت می‌دهند و داشتن فرزند یا تعداد زیاد فرزندان را از اولویت‌های زندگی نمی‌دانند. از طرفی از نگاه آن‌ها کیفیت فرزند جایگاه بالاتری از کمیت فرزند دارد. تحولات رخ داده در حوزه

خانواده و رفتار باروری حاکی از آن است که تحولات عمیق و ریشه‌ای در ذهن، یعنی بستر شکل‌گیری معنا رخ داده که نتیجه آن کاهش باروری و افزایش زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند است. از آنجا که باروری به حریم شخصی افراد مربوط می‌شود و دولت‌ها و حاکمیت به‌طور مستقیم نمی‌توانند بر آن اثر بگذارند، نظرات دستوری و تبلیغات نسنجیده و غیرکارشناسی بدون در نظر گرفتن شرایط و کیفیت زندگی خانوارها در شرایط فعلی جامعه راه به جایی نمی‌برد و تأثیر حداقلی خواهد داشت. از آنجا که تغییرات جمعیتی، حاصل تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها و ساختارهای ذهنی جامعه ایرانی است و تغییر ذائقه مردم برای فرزندآوری مستلزم تغییر سیاست‌های کلان از جمله بهبود رفاه اجتماعی، بهبود وضعیت عدالت اجتماعی، کاهش فقر و ایجاد زندگی بهتر برای مردم است. این امر اصلاحات ساختاری اساسی را می‌طلبد.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده دوم با عنوان «دلهره‌های مسئولیت‌پذیری در فرزندآوری و بازتفسیر معنای فرزند؛ مطالعه‌ای در شهر اصفهان»، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه یزد؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشرنی.
- افشانی، سید علیرضا، ابویی، آزاده و روحانی، علی (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان نابارور از مسئله بی‌فرزندگی. زن در توسعه و سیاست، ۲۰(۱)، ۲۱-۱.
- <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.327319.1008049>
- اوجاقلو، سجاد و سرایی، حسن (۱۳۹۳). مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۲)، ۲۶۱-۲۸۳.
- <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53139>
- ایمان، محمدتقی و روحانی، علی (۱۳۹۲). هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی)؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۶(۱)، ۱۲۷-۱۴۸.
- <https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.21.006>
- آقایی‌هیر، توکل، فرخی نگارستان، مینا و لطیفی مجزه، سیده صدیقه (۱۳۹۵). فرزندآوری به مثابه مخاطره (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندگی در شهر تبریز). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹(۷۳)، ۷-۳۳.
- <https://doi.org/10.22095/jwss.2016.44367>
- جعفری‌سیریزی، فائزه، عسکری ندوشن، عباس و روحانی، علی (۱۴۰۱). مادران و تربیت نسل: کاوشی انتقادی از دغدغه‌های اجتماعی مادران در رابطه با فرزندپروری. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۴(۳)، ۱۱۷-۱۵۷.
- <https://doi.org/10.22035/isih.2022.4801.4707>
- حسینی‌فتح‌آبادی، هانیه‌سادات، روحانی، علی و نادری‌نوبندگان، زهرا (۱۴۰۱). بر ساخت اجتماعی خودزنی در بستر تغییرات نظام آموزشی: مطالعه‌ای کیفی در بین دانش‌آموزان دختر یزدی. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۱)، ۳۱۱-۳۳۰.
- <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2712>
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندگی در تهران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۸(۷۱)، ۲۹-۵۸.
- <https://doi.org/10.22095/jwss.2016.33826>
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و کیانی علی‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۷). بازاندیشی در معنای فرزند و دلالت‌های آن در زندگی: رهیافت کیفی در زنان متأهل بی‌فرزند ساکن شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۳(۲۵)، ۶۷-۱۰۶.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735000.1397.13.25.3.3>
- زارعی محمودآبادی، علیرضا، روحانی، علی، افشانی، سید علیرضا و موسوی، سید محسن (۱۴۰۳). مردم‌نگاری انتقادی: یک ارزیابی نظری. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۳(۱)، ۱۸۳-۲۰۲.
- <https://doi.org/10.22034/jscc.2023.19667.1065>

- سجادی، حامد، امیرکافی، مهدی و گروسی، سعیده (۱۴۰۳). سرمایه اجتماعی، امید به آینده و تمایل به مهاجرت بین‌المللی: مطالعه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۳(۲)، ۳۸۱-۴۱۱. <https://doi.org/10.22034/jscc.2024.21701.1126>
- شمس قهفرخی، فریده، عسکری ندوشن، عباس، زیناب‌عینی، حسن و روحانی، علی (۱۴۰۲). کاربست روش‌شناسی کیو در شناسایی الگوهای ذهنی مردم درمورد فرایند فرزندآوری، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۴(۱)، ۲۱۱-۲۳۵. <https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.211>
- شمس قهفرخی، فریده، عسکری ندوشن، عباس، زیناب‌عینی، حسن، روحانی، علی و عباسی شوازی، محمدجلال (۱۴۰۱). در دوراهی تصمیم به فرزندآوری؛ واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳(۴)، ۲۸-۴۱. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269>
- طاووسی، محمود، حائری‌مهریزی، علی‌اصغر، صدیقی، ژیلا، مطلق، محمداسماعیل، اسلامی، محمد، نقی‌زاده، فاطمه، عنبری، مهدی، هاشمی، اکرم و منتظری، علی (۱۳۹۶). تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در ایران: یک مطالعه ملی. *پایش*، ۱۶(۴)، ۴۰۱-۴۱۰. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.16807626.1396.16.4.1.4>
- عباسی شوازی، محمد جلال (۱۳۸۹). *طرح تحولات باروری در ایران*. مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- عباسی شوازی، محمد جلال، رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و حسینی چاووشی، میمنت (۱۳۹۹). امنیت اقتصادی - اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۵(۲۹)، ۲۱۱-۲۳۸. <https://doi.org/10.22034/jpai.2020.243924>
- عسکری ندوشن، عباس و رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی (۱۴۰۲). تجربه مادری و چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل: مطالعه کیفی در شهر تهران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۲(۳)، ۹۹-۱۲۲. <https://doi.org/10.22108/srsp.2023.138962.1934>
- علیمرادیان، مریم، رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی، علی‌مندگاری، ملیحه و عسکری ندوشن، عباس (۱۴۰۱). تأخیر در تولد فرزند دوم: تحلیل دوره ماندگاری در وضعیت تک‌فرزندی در شهر خرم‌آباد. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۷(۳۴)، ۷۳-۱۱۱. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1983029.1258>
- کاوه فیروز، زینب، زارع، بیژن و جهانبخش گنجه، صادق (۱۳۹۶). تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۷(۳۴)، ۱۱۹-۱۴۳. <https://doi.org/10.22059/jisr.2017.61834>
- مرادی، شکیلا، روحانی، علی و افشانی، سید علیرضا (۱۴۰۲). خودمداری اجتماعی دانشجویان در گذار به جوانی: یک نظریه زمینه‌ای. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)، ۲۶۷-۲۸۵. <https://doi.org/10.22034/jscc.2024.19711.1066>
- مرادی، شکیلا، روحانی، علی و افشانی، سید علیرضا (۱۴۰۲). خودمداری اجتماعی دانشجویان در گذار به جوانی: یک نظریه زمینه‌ای. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)، ۲۶۷-۲۸۵. <https://doi.org/10.22034/jscc.2024.19711.1066>
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). *محاسبه باروری کل با روش مستقیم با منابع مختلف داده به تفکیک استان ۱۳۹۵-۱۳۹۹* (۱۳/۲/۱۴۰۱). <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/barvari.pdf>
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). *میزان باروری به تفکیک ایران و ایرانی و استان ۱۳۹۶-۱۴۰۰*. در دسترس از: <https://amar.org.ir/population-and-migration#28514>

- Abbasi-Shavazi, M. J., Razeghi-Nasrabad, H. B., & Hosseini-Chavoshi, M. (2020). Socio- Economic Security and Fertility Intention in Tehran City. *Journal of Population Association of Iran*, 15(29), 211-238. <https://doi.org/10.22034/jpai.2020.243924> (In Persian)
- Abbasi-Shavazi, M. J. (2010). *Fertility Developments in Iran*. Statistical Center of Iran, Statistical Research Institute.
- Afshani, S. A., Abooei, A., & Ruhani, A. (2022). Lived experience of infertile women of their infertility issue. *Women in Development and Politics*, 20(1), 1-21. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.327319.1008049> (In Persian)

- Aghayari Hir, T., Farokhi Negarestan, M., & Latifi Mojreh, S. S. (2016). Childbearing as risk (Qualitative study of milieu for bearing few children in Tabriz City). *Women's Strategic Studies*, 19(73), 7-33.
<https://doi.org/10.22095/jwss.2016.44367> (In Persian)
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179-211.
- Alimoradiyan, M., Razeghi Nasrabad, H. B., Alimondegari, M., & Askari-Nodoushan, A. (2023). Delay in the second birth: An analysis of the length of waiting time from first to the second birth among women in the City of Khorramabad, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 17(34), 73-111.
<https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1983029.1258> (In Persian)
- Askari-Nodoushan, A., & Razeghi Nasrabad, H. B. (2023). Motherhood experience and childbearing challenges of working women: A qualitative study in Tehran. *Strategic Research on Social Problems*, 12(3), 99-122.
<https://doi.org/10.22108/srsp.2023.138962.1934> (In Persian)
- Becker, G. S. (1960). "An Economic Analysis of Fertility", In National Bureau of Economic Research (Ed.), *Demographic and Economic Change in Developed Countries*, Pp. 209-240, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Caldwell, J. C. (2006). *The globalization of fertility behavior in demographic transition theory* springer, Dordrecht.
- Emmott, E. H., Myers, S., & Page, A. E. (2021). Who cares for women with children? Crossing the bridge between disciplines. *Philosophical Transactions of the Royal Society B*, 376(1827), 20200019.
<https://doi.org/10.1098/rstb.2020.0019>
- Hosseini Fathabadi, H. S., Ruhani, A., & Naderi Nobandegani, Z. (2022). The social construction of self-harm in the changing context of educational system: A qualitative study of female students in the City of Yazd, Iran. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 1(2), 311-330. <https://doi.org/10.22034/jssc.2022.2712> (In Persian).
- Iman, M. T., & Ruhani, A. (2013). Islamic identity and competitive identities (Global, national and ethnic identity); a case study of Shiraz University students. *Journal of Iranian Cultural Research*, 6(1), 127-148.
<https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.21.006> (In Persian)
- Iran Statistics Center. (2021). *Calculating total fertility using the direct method with different data sources by province 2016-2020*. Retrieved from: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/barvari.pdf>
- Iran Statistics Center. (2022). *Fertility rate by country, Iranian, and province 2017-2021*. Retrieved from: <https://amar.org.ir/population-and-migration#28514>
- Jafari Sirizi, F., Askari Nodoushan, A., & Ruhani, A. (2022). Mothering and childrearing: A critical exploration of mothers' social concerns about parenting. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(4), 117-175.
<https://doi.org/10.22035/isih.2022.4801.4707> (In Persian)
- Kaveh Firooz, Z., Zare, B., & Jahanbakhsh Ganjeh, S. (2017). The effect of socio-cultural capitals on attitudes towards childbearing (Case study: Tehranian couples going to marry). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 6(1), 119-143. <https://doi.org/10.22059/jisr.2017.61834> (In Persian)
- Khalajabadi Farahani, F., & Saraei, H. (2016). Exploration of underlying factors for single child intention and behavior in Tehran; a qualitative study. *Women's Strategic Studies*, 18(71), 29-58.
<https://doi.org/10.22095/jwss.2016.33826> (In Persian)
- Khalajabadi Farahani, F., & Kiani Aliabadi, F. (2018). Rethinking the meaning & implications of child in life; a qualitative approach among voluntary childless married women in Tehran. *Journal of Population Association of Iran*, 13(25), 67-106. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735000.1397.13.25.3.3> (In Persian)
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publication.
- Lutz, W., Skirbekk, V., & Testa, M. R. (2006). The low-fertility trap hypothesis: forces that may lead to further postponement and fewer births in europe, *Vienna Yearbook of Population Research*, 4, 167-192.
- Moradi, S., Ruhani, A., & Afshani, S. A. (2024). Social Self-control among Junior University Students in Transition to Youth: A Contextual Theory. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 2(2), 267-285.
<https://doi.org/10.22034/jssc.2024.19711.1066> (In Persian).
- Moradi, S., Ruhani, A., & Afshani, S. A. (2024). Social self-control among junior university students in transition to youth: A contextual theory. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 2(2), 267-285.
<https://doi.org/10.22034/jssc.2024.19711.1066> (In Persian)

- Ojaghlo, S., & Saraie, H. (2014). A study of Temporal changes of child value in Iran (Zanjan city womans). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 3(2), 261-283. <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53139> (In Persian)
- Perelli-Harris, B. (2008). Ukraine: on the border between old and new. Childbearing Trends and Policies: Country Case Studies, edited by Tomas Frejka, Jan Hoem, and Laurent Toulemon. *Demographic Research*, 19(29), 1145-1178.
- Sajadi, H., Amirkafi, M., & Garousi, S. (2025). Social capital, hope for the future and the desire for international migration: A study among university students in Kerman. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 3(2), 381-411. <https://doi.org/10.22034/jssc.2024.21701.1126> (In Persian)
- Shams Gahfarokhi, F., Askari-Nodoushan, A., Eini-Zeinab, H., Ruhani, A., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2022). At the crossroad of decision to have children: An analysis of individual and social childbearing challenges in the context of low fertility in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 1-28. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269> (In Persian)
- Shams Gahfarokhi, F., Askari-Nodoushan, A., Eini-Zeinab, H., & Ruhani, A. (2023). The application of Q-methodology for identifying the mental patterns of the people of Isfahan city about childbearing. *Social Problems of Iran*. 14(1), 211-235. <https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.211> (In Persian)
- Sobotka, T., Skirbekk, V., & Philipov, D. (2011). Economic recession and fertility in the developed world. *Population and Development Review*, 37(2), 267-306.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2012). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Translated by: E. Afshar. Tehran: Ney. (In Persian)
- Tavousi, M., Haerimehrizi, A. A., Sedighi, J., Motlagh, M. E., Eslami, M., Naghizadeh, F., Anbari, M., Hashemi, A., & Montazeri, A. (2017). Fertility desire among Iranians: A nationwide study. *Payesh*, 16(4), 401-410. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.16807626.1396.16.4.1.4> (In Persian)
- Van de Kaa, D. J. (2001). Postmodern fertility preferences: from changing value orientation to new behavior, *Global Fertility Transition Population and Development Review*, 27(1), 290-331.
- Wilson, C. (2001). On the scale of global demographic convergence 1950-2000, *Population and Development Review*, 27(1), 155-171.
- Zarei Mahmoudabadi, A. R., Ruhani, A., Afshani, S. A. R., & Mousavi, S. M. (2024). Critical ethnography: A theoretical assessment. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 3(1), 183-202. <https://doi.org/10.22034/jssc.2023.19667.1065> (In Persian)